

به نام منشاء اندیشه

شیمی

از سری کتاب‌های برآیند گاما



به جای مقدمه

ع. فراتی

به نام منشاء اندیشه

یکی بود، یکی نبود، زیر گنبد کبود به دوستی از دوستای ما نشسته بود. دوست، قصه‌ی ما تو به شهری تو همین سرزمین زندگی می‌کرد. شهر اون به شهر بود تو گوشه و کنار همین خاک، نمی‌دونم باباش چی کاره بود. اون خیلی دوست داشت درس بخونه! خوب هم درس بخونه! برای همین هم، اون سالی که کنکور داشت تصمیم گرفت چند تا کتاب بخره، به آزمون هم شرکت کنه. ولی اصلاً تصمیم نداشت کلاس بره. می‌دونین چرا؟ به خاطر اینکه پول نداشت! آخ اون تو به خانواده‌ی کم درآمد ولی گرم زندگی می‌کرد. تو خونه‌ی اونا شاید خیلی وقت‌ها غذاهای اون چنانی پیدا نمی‌شد، ولی تو خونه‌شون پر بود از صفا، صمیمیت و محبت. وقتی تصمیم گرفت حتی به پدرش هم نگفت. آخه نمی‌خواست پدرش رو با حالت شرمنده‌ای که می‌گفت: «من نمی‌تونم بهت پول خرید این چیزا را بدم»، ببینه. آخرای سال سوم که شده بود (دور و بر اردیبهشت، خرداد) رفیقاش به گوشه‌ی حیاط مدرسه همین‌طور روی آسفالت‌ها نشسته بودند و راجع به درس خوندن از تابستون حرف می‌زدن. یکی می‌گفت که می‌ره کلاس... اون یکی می‌گفت برنامه‌ریزی خیلی چیز مهمی، من که با برنامه شروع می‌کنم. دیگری گفت بابام بهم گفته اگر امسال قبول بشی به پراید مشکی صفر برام می‌خره، می‌دونین چرا مشکی! چون مشکی رنگ عشق. برای همین هم کل کلاس‌هارو باید خصوصی بگیرم. بابام گفته: بهترین و گرون‌ترین معلم‌های شهرمون رو برام می‌گیره تا باهام خصوصی کار کنن. می‌گه سعی کن خیلی هزینه‌های امسال زیاد نشه، دیگه از پنج تا نزنه بالا و دوست قصه‌ی ما هم تو خودش. اصلاً خیلی از این حرف‌هارو نشنیده چون داره فکر می‌کنه. آره منم باید از همین تابستون شروع کنم. باید برنامه‌ریزی داشته باشم. باید امسال تابستون برم کوره آجرپزی کار کنم تا حداقل بتونم پول چند تا کتاب و به آزمون‌رو کار کنم باید

بالا رفتیم دوغ بود پایین اومدیم ماست بود، قصه‌ی ما راست بود.

آره دوستای خوب، قصه‌ی ما راست بود. وقتی نامه‌ش رسید خیلی به خودمون بالیدیم که به چنین داوطلبانی هم نو آزمون‌های گاما شرکت می‌کنند. حالا به قسمت‌هایی از نامه اونو با هم

بخونیم: «راستش را بخواهید در شهر من به خصوص برای ما روستایی‌ها، امکانات خیلی کم است، زیرا وضع مالی بسیارضعیفی داریم. گاهی اوقات آرزو می‌کنم که در کلاس کنکور شرکت کنم. گاهی اوقات آرزو می‌کنم که مثلاً تمام کتاب‌های ریاضی فلان استاد را داشته باشم و از خواندن آن‌ها لذت ببرم. با خودم فکر می‌کنم آیا داوطلبین تهرانی نیز مشکلات من را دارند؟ آیا آن‌ها برای شرکت در آزمون‌های گاما نا ۲۰ مهر در کوردهای خشت‌پزی کارگری می‌کردند؟ آیا آن‌ها نیز مثل من حسرت داشتن کتاب‌های کمک آموزشی را می‌کشند؟ و آیا...؟ این جاست که با خودم می‌گویم من به غیر از خدای مهربان و تلاشم پشتوانه‌ای ندارم! و ...»

نمی‌دانم چرا وقتی نامه‌اش را می‌خواندم ناخودآگاه به فکر «ریشه‌ها» افتادم. حس می‌کردم که این دوست ما آدم ریشه‌داری است. ریشه‌هایی در همین سرزمین، آری این دوست ما و تویی که اینها را می‌خوانی، همه و همه ریشه‌دار هستید، به دور از این که در کجای این سرزمین و چگونه زندگی می‌کنید. چند وقتی است که در راه خانه روی یه تابلوی بزرگ نوشته شده است «برای تولید هر تن کتاب ۱۲ اصله درخت تنومند قطع می‌شود». یه نگاهی به دور و ورت بینداز. چند تا کتاب تا حالا خریدی؟ چند تایی اونا رو اصلاً تا حالا نخوندی؟ لای چند تا از اونا رو تا به حال اصلاً باز نکردی؟ تا به حال چه قدر غُر زده‌ای که ای بابا، من فلان کتابو ندارم، در حالیکه خیلی از کتاب‌هایی که داشتی دارن خاک می‌خورن و حالا به لحظه فکر کن! به اون دوستمون! به اون که همین نزدیکی است!! شاید اون هم لای همین شب‌بوهاست!!

آره داشتیم فکر می‌کردم چه خوب می‌شد که همه‌مون به افتخار اون و به افتخار خیلی‌های دیگه می‌تونستیم تو خونه‌مون یه درخت بکاریم. دیدم که فصل درخت‌کاری گذشته و در ضمن حالا این موقع سال چه جوری می‌شه یه اصله درخت پیدا کرد. بعدش گفتم: مگه اینطور نیست که همه‌ی برویجه‌های گاما با هم رفیقن! اگه اینطور نبود برای نامه‌ی «ر.ک» از مشهد این همه جواب نمی‌اومد، تو گپ دوستانه‌ی گوشه‌ی حیاط مدرسه‌ی کانی از این طرف و اون طرف این خاک اون همه شرکت نمی‌کردند، حتی بعضی‌هاشون برای همدیگه نامه و پیغام نمی‌فرستادند و ... پس حالا که اینطوره بیاین یه کاری برای دلمون انجام بدیم، نمی‌گیم پدر، مادرمون را بفرستیم دنبال یه نهال کوچولو! بلکه بیاین با هم دیگه، به کاری بکنیم. همه‌مون بریم و یه گلدون کوچیک تهیه کنیم. برای اینکه همه‌مون به همدیگه فکر کنیم و برای همدیگه هم، دعا کنیم. گلش هم یه شکل باشه مثلاً رز خوبه؟ اونم از نوع سرخ رنگش ...

آره بیاین هر کدومون به گل رز سرخ رنگ تهیه کنیم اونو بکاریم تو باغچه خونه‌مون، اگه خونه‌مون هم باغچه نداره بیایم و بذاریمش به گوشه‌ی اتاقمون یا تو پذیرایی خونه‌مون...^۱

اون موقع هر وقت تا کنکور خسته شدیم، بریم و نگاش کنیم و یادمون باشه به عالمه دوست داریم. دوستایی که حتی ندیدیمشون، حتی اسمشون رو هم بلد نیستیم، ولی خوب می‌شناسیمشون و خوب احساس شون می‌کنیم. به اونا بگیم که غیر از خدا، به عالمه دوست خوب دارن! اون موقع براشون آرزو کنیم، کلی آرزوهای خوب و بعد از اون هم با این فکر که کلی از دوستای دیگرمون هم دارن آرزوهای خوبشون را به ما هدیه می‌دن، پر از انرژی بریم و ادامه بدیم. و بیاین به هم قول بدیم، بعد از کنکور اگه قبول شدیم تمام کتابهامون هدیه کنیم به کتابخانه‌ی مدرسه یا کتابخانه‌ی شهرمون، تا همه‌ی دوستای دیگرمون بتونن از اونا استفاده کنن. یادمون نره‌ها، قول دادیم. آره، ما دیگه به دشت پر از گل سرخ داریم که اونارو تو کل این خاکی پخش کردیم. برویجه‌های گاما خوش آمد می‌گیم. ورودتون رو به همایش گل سرخ.

کار ما نیست شناسایی راز گل سرخ
کار ما شاید اینست
که در، افسوس، گل سرخ شناور باشیم.

مهتاب سپهری

۱. دوستان خوب، یادمان باشد که اگر این گل‌رو خریدیم، از اون خوب مراقبت کنیم. این‌رو هم در نظر بگیریم که این گل عمر خاصی داره و اگر گلبرگ‌هاش ریخت و یا حتی بر اثر عدم مراقبت ما خوب باقی نموند، دپرس نشیم. اینم گفتیم تا به وقت بعضی‌ها فکرهای منفی تو ذهنشون وارد نشه. راستی شماها می‌تونین حتی یک گل تو مسیر همیشگی‌تون‌رو به عنوان این نماد انتخاب کنین..



این کتاب‌های برآیند گاما چه دردی از ما دوا می‌کنند؟

قصه از کجا شروع شد، از از اینجا شروع شد که آخرای سال قبل ما توی بیک مشاوره‌ای مون برای برویجه‌های آزمون نوشتیم:

توبه، توبه!!

کتاب‌های بی‌نظیر گاما در راهند. آله می‌فوابین از اوتا استغاره کنین. فقط به شرط داره و اونهم اینکده درکنکور قبول نشین، اما شماها به خاطر کتاب‌های ما پشت کنکور نمونین!!!

(بیک مشاوره‌ای شماره ۷ سال قبل)

تا اینکه همراه شد و ماهم می به برویجه‌های آزمون‌ها می‌گفتیم با سرعت نور در حال تهیه اون کتاب‌هایی که بهتون قول داده بودیم، هستیم. اما هر کاری می‌کردیم کتابها حاضر نمی‌شدن که نمی‌شدن، بالاخره عید هم اومد و گذشت و کم‌کم برویجه‌های گاما نری نامه‌هاشون شروع کردن به غرزدن و ما هم خیلی محترمانه شروع کردیم به غرشیدن، در زیر برخی از نامه‌های بچه‌ها رو با همدیگه می‌خونیم:

- راستی کتاب‌هاتون کی فاب می‌شه، فواهش! زودتر ریکه، دارین پوبان دروگو می‌شین‌ها از ما گفتن پورا!!

(بری سادات پریان - تبری - نیشابور)

- برای دیدن کتاب‌هاتون هنوز چشم به راهیم. خیلی ششمون رو به انتظار نذارین. پون اون موقع مجبور می‌شیم عینک دوری بپاریم...

(ساعت ۲۲:۱۵، ۱۱/۲۷، بچه کنکوری)

- آله همین سرعت عمل رو داشته باشین فکر کنم کتاب‌هاتون به درد فواهرم که الان کلاس دوم دبستان

پوره! (اینه وقتی کنکوری شد!!)

(ع - سن - ریاضی - بندر انزلی)

- کتاب‌هاتون کم نظیره، شاید هم بی نظیره، خیف که هنوز نریمشون ...

- کتاب‌های شما رو به هر دری زدم، نتونستم پیدا کنم. می‌کن توی چابونه مونده !

(اکبری - شیراز - ریاضی)

و ...

دیگه کم‌کم خودمون رو توی یه رودرپستی اخلاقی دیدیم، تشویق‌ها، درخواست‌ها و تیکه‌های بچه‌ها کارخودش رو کرد و ما تلاشمون رو بیشتر کردیم تا این کتاب‌ها رو به دست شما برسونیم، امیدواریم از شدت خوشحالی خودتون رو گم نکرده باشین.

آف جون، بالاخره کتاب‌های برآیند گاما

چاپ‌انیده شد. راستی من گمام، فکر کنم از

فوشمالی فودمو کم کردم...

و حالا بریم سراغ بقیه‌ی قصه که این کتاب‌ها به چه دردتون می‌خوره!!

۱- برنامه‌ریزی: در ابتدای هر کتاب برآیند گاما یه جدولی اومده که محتوای آزمون‌ها رو اون‌جا می‌تونین پیدا کنین.

هر موقع از سال که این کتاب‌ها به دستتون رسید می‌تونین با توجه به حجم مطالعه‌تون این آزمون‌ها رو برنیزین. البته بدونین:

- آزمون ۴ جمع بندی نیمسال اول پیش‌دانشگاهی و مرور سه آزمون اول.

- آزمون ۸ جمع بندی نیمسال دوم پیش و مرور سه آزمون قبلی.

- آزمون‌های ۹ و ۱۰ آزمون‌های جامع و مطابق کنکور سراسری.

چند روز پس از تولد ... کوهپایه
مادره غایب. همه‌ی لیفت رو فریادی؟
پدر آره، شیر فشخت، شیشه‌ی شیر ... و هزاره‌ی کنکور ...

۲- جمع بندی: اگه آخرای سال و توی دوره‌ی جمع‌بندی این کتاب‌ها به‌دستون رسید، می‌تونین با به برنامه‌ریزی به مرور و تست‌زنی این مجموعه بپردازین. خلاصه‌هایی که در پاسخ‌های کاملاً تشریحی اومده خودشون به خلاصه‌ی درس توپ توپ ...

آغ هون، پس این کتابها به درد
کل کوهپایه هم می‌خوره !!

۳- آزمون‌های استاندارد: در طراحی این آزمون‌ها از دپارتمان‌های علمی مجرب استفاده شده تا اونها تا حد امکان مشابه کنکور سراسری باشن. ضمناً سعی شده آزمون‌ها دارای ISO های لازم اعم از 9001 و 9002 نیز باشند.

۴- پاسخهای کاملاً تشریحی: بدون شرح!! (به قسمت پاسخهای کاملاً تشریحی کتاب مراجعه شود. به هر حال، شنیدن کی بود مانند دیدن!!) دیدیم اگه راجع به این قسمت حرف بزنیم باید کلی مطلب بنویسیم ولی در حالت کلی پاسخ‌های ما پرملات و غلظت پاسخ نویسی مؤلفین ما خیلی بالاست.

۵- کارنامه‌ی on line: خوب، حالا اومدیم و این آزمون‌ها رو از خودمون گرفتیم، چه طوری بفهمیم، میزان سوادمون چطوری؟ ما برای اینکه شما خیلی به زحمت نبفتین در پایان پاسخ‌های تشریحی هر آزمون به قسمت مشاوره‌ای چاباندیم تا شما با توجه به درصدهاتون، بتونین حتی نواز و وضعیت علمی تون رو متوجه بشین، چه برسه به اینکه بفهمین باسوادین یا ...

۶- کتابهایی با ویژگی مشاوره و هدایت تحصیلی: منظورمون همون قسمت‌های مشاوره‌ای که در پایان پاسخ‌های هر آزمون اومده ... بالا که توضیح دادیم ...

۷- کتابهایی با شکل ظاهری متفاوت: از اونجایی که می‌خواستیم این کتاب‌ها رو راحت‌تر استفاده کنین، به کم تری شکل ظاهری کتاب‌ها دست بردیم. این کار باعث شد هزینه‌ی تمام شده‌ی کتاب‌ها حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد بیشتر از کتاب‌های مشابه بشه، با توجه به این که سعی کردیم از بهترین نوع کاغذ هم استفاده کنیم این مسأله تشدید شد. از طرف دیگه چون می‌دونستیم شما اونقدر این کتاب‌ها رو می‌خونین که ورق، ورق می‌شن و شیرازه‌ی بیچاره‌ی این کتاب‌ها جوابگوی روح عطشان و پرشکر شما نیست، ما زحمتش رو کشیدیم و اونو سیمی کردیم. با این حال چون شماها دوست‌های جدید ما هستین سعی کردیم قیمت کتاب‌ها رو در حد عرف نگه داریم تا شماها بتونین از این کتاب‌ها خوب خوب استفاده کنین ...

به هر حال سرتون رو زیاد درد نیاریم، آخر قصه اینکه:

دونه، دونه ... دونه، دونه‌ی شماها، رفیق‌های جدیدمون هستین، پس تبریک می‌گیم ورودتون رو به گروهون. گروه برویچه‌های گاما ...

«گاما»

«فهرست عناوین»

۱۱	آزمون ۱
۱۷	پاسخ آزمون ۱
۳۳	آزمون ۲
۳۹	پاسخ آزمون ۲
۵۶	آزمون ۳
۶۲	پاسخ آزمون ۳
۸۵	آزمون ۴
۹۲	پاسخ آزمون ۴
۱۱۵	آزمون ۵
۱۲۱	پاسخ آزمون ۵
۱۴۲	آزمون ۶
۱۴۸	پاسخ آزمون ۶
۱۶۵	آزمون ۷
۱۷۱	پاسخ آزمون ۷
۱۹۱	آزمون ۸
۱۹۸	پاسخ آزمون ۸
۲۱۹	آزمون ۹
۲۲۶	پاسخ آزمون ۹
۲۴۴	آزمون ۱۰
۲۵۱	پاسخ آزمون ۱۰
۲۶۹	مؤخره
۲۷۳	گاما و آزمون‌های آزمایشی
۲۷۶	نظر سنجی
۲۷۸	نامه‌ای به ناشر یا مؤلف